

تاریخچه پیدایش سندیکاهای ایران - ۴

سرکوب و خیانت ملی

همیشه با یورش به سندیکاهای

در ایران همراه بوده

رضا روستا

نامه دبیر شورا پس از استخلاص از زندان

در این موقع که به موجب رای دادرسان محترم دادگاه جنائی بقید کفیل آزاد شده ام بدین وسیله از رفقای حزبی و اتحادیه کارگری شورای متحده مرکزی، عموم کارگران، مردان و زنان، آزادیخواهان، مدیران جرائد، جوانان حزب توده ایران، دانشجویان، دبیران و استادان دانشگاه مهندسی و روشنفکران ایران که در استخلاص و آزادی من بیگناه معنا یا عملاً اقدام نموده یا ابراز احساسات کرده اند متشکرم و چون برحسب تجویز طبیب معالج احتیاج به مداوا و استراحت دارم لذا با نهایت تأسف برای مدت محدودی از دید و بازدید دوستان و علاقمندان معذورم.

رضا روستا

صدها تلگراف و نامه های تبریک در باره استخلاص دبیر شورا از تشکیلاتهای احزاب مترقی و اتحادیه های کارگری و مدیران جرائد و آزادیخواهان، به طور انفرادی یا دستجمعی دریافت شد. در صورتیکه پیراسته معلوم الحال و شاه، دادستان وقت برای اینجانب تقاضای اعدام صادر کرده بود و روزنامه فروشها در خیابان های تهران برای فروش بیشتر روزنامه خودشان داد میزدند: "اعدام روستا".

ولی دربار ایران و شاهنشاه از این آزادی ناراضی بودند و دستور توقیف مجدد مرا به فرماندار نظامی دادند. ولی نظامیان و پلیس موفق به توقیف مجدد اینجانب نشدند.

در سال ۱۹۴۸ کارگران ایران از نو به تجمع نیروهای خود آغاز مینمایند و در اول ماه مه ۱۹۴۸ با نمایش عظیمی که در تهران و سایر شهرها برگزار میشود نیروی کارگری دوباره نشان داده میشود. ارتجاع داخلی و امپریالیستها که از احیای مجدد سازمانهای کارگری و سیاسی ناراحت بودند نقشه غیر قانونی نمودن آنها را تنظیم کردند.

چهارم فوریه ۱۹۴۹ (۱۵ بهمن ۱۳۲۷) تیراندازی به شاه در دانشگاه تهران عملی شد. برای اینکه نقشه واقعی آنان فاش نشود سوء قصد کننده را جابجا کشتند و لایحه غیر قانونی کردن حزب توده ایران، شورای متحده مرکزی و سایر سازمانهای دمکراتیک را با دست دکتر اقبال مرتجع و وزیر کشور آنروز به مجلس تسلیم نمودند و بلافاصله از تصویب گذراندند.

با این ترتیب ارتجاع ایران به کمک امپریالیستها توانست قانون ضد کارگری را به موقع اجرا بگذارد. پس از تصویب قانون نامبرده صدها نفر از فعالان و رهبران حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی بازداشت و محاکمه شدند. دوازده نفر از رهبران حزب توده ایران و از آن جمله پنج نفر از رهبران شورای متحده مرکزی با اینجانب غیابا به اعدام محکوم شدند.

پیروزی نیروهای ارتجاع در سال ۱۹۴۹ موقت بود. از سال ۱۹۵۰ مبارزه ضد امپریالیستی که محتوی اساسی آنرا مبارزه علیه شرکت نفت سابق انگلیس و ایران تشکیل می داد رفته رفته اعتلاء گرفت. لایحه "الحاق نفت" که توسط گلشائیان وزیر دارائی ایران و گس نماینده شرکت نفت امضاء شده بود و می بایست از تصویب مجلس بگذرد، افکار عمومی ایران را

علیه آن برانگیخته بود. لایحه الحاقی که قرارداد نفتی ۱۹۳۳ را که در دوران دیکتاتوری رضاشاه به ایران تحمیل شده بود، قانونی میکرد و منابع نفتی ایران را باز هم برای مدت طولانی در دست انحصارهای نفتی انگلیس قرار میداد.

باید خاطر نشان ساخت که پیروزیهای اردوگاه سوسیالیسم و جنبش آزادیبخش در چین، اندونزی، هندوستان و یک سلسله از کشورهای دیگر نیز به مبارزان ایران الهام فراوانی بخشید. اعتلای جنبش کارگری ایران موجب شد که در اواخر سال ۱۹۵۰ سازمان اسکی انحلال خود را رسماً اعلام نماید و سازمان دیگر بنام **امکا** عملاً از بین رفت و سازمان های وابسته به شورای متحده که غیر قانونی بودند در خفا فعالیت خود را توسعه دهند. اعتلای جنبش کارگری نقش اساسی را در ملی کردن صنعت نفت در دوران زمامداری دکتر مصدق بازی نمود. مجلس ایران و حکومت دکتر مصدق توانست از پشتیبانی کامل زحمتکشان ایران برخوردار گردد و در اواخر اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رسانده و در طول سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱) عملاً آنرا به مورد اجرا بگذارد.

در فاصله سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۰ جنبش اتحادیه ای و اعتصاب های کارگری رونق خود را از سرگرفت. در آوریل ۱۹۵۰ کارگران شاهی دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب که منجر به زد و خورد مسلح گردید ۷ نفر کارگر کشته و ۵۳ نفر زخمی شدند. اعتصاب شاهی و کشتار وحشیانه کارگران از طرف نیروهای دولتی سرآغاز دوران جدیدی در جنبش کارگری ایران بود.

در ماههای مارس و آوریل و مه ۱۹۵۱ اعتصاب عظیم کارگران نفت جنوب آغاز گردید. کارگران و دانشجویان سایر شهرهای ایران از این اعتصاب کاملاً پشتیبانی نمودند. در آوریل همان سال نیروهای دولتی به کارگران بی سلاح بندر معشور حمله نمودند و ۸ نفر از آنان را به قتل رسانیدند. کارگران آبادان که به پشتیبانی از کارگران بندر معشور و اعتراض نسبت به قتل کارگران دست به اعتصاب زده بودند نیز مورد هجوم نیروهای دولتی و ارتجاعي قرار می گیرند و ۲۲ نفرشان کشته میشوند.

اعتصاب خونین چهل هزار نفری نفتگران آبادان در تعقیب اعتصاب بندر معشور و آغاچاری بوجود آمد. این اعتصاب عظیم نقطه تحولی در تاریخ مبارزات کارگران ایران بوجود آورد. سربازان نیروی دریائی حاضر نشدند به روی برادران کارگر خود شلیک کنند. بعد دولت سربازان گرد و لُر را وارد معرکه کرد و به فرمان شاه بخشی که خود را به کمپانی نفت فروخته بودند به کارگران شلیک کردند و در نتیجه عده ای مقتول شدند. با وجود این تیراندازی و شلیک، نه غرش تانک و نه صفیر مسلسل ها کاری از پیش نبردند و رژه و نمایش کارگران آبادان یک ساعت و نیم طول کشید.

در متینگ همبستگی کارگران اصفهان در اثر شلیک پلیس حسن حیدرپور کارگر کشته شد و برای تدفین این کارگر شهید همه خیابانهای اصفهان پر از نمایش دهندگان بود و در سرمزار این کارگر شصت هزار نفر متینگ دادند.

در یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۳۰ دانشجویان و دانش آموزان تهران به اتفاق کارگران، برای همبستگی تعطیل کردند و نمایشات دادند.

در رشت هم برای همبستگی اعتصاب کردند و به نمایش پرداختند که در نتیجه یک نفر کشته و عده زیادی مجروح شدند. در متینگ های همبستگی کارگران معادن شمشک و اتحادیه های تهران، قم، کاشان، قصرشیرین، اصفهان، گیلان و سایر نقاط کارگران شرکت کردند و این اعتصابات مدت یک ماه طول کشید. بالاخره اعتصاب خونین کارگران نفت معشور و آبادان با شرایط خوب و پیروزمندانه خاتمه یافت (در ۲۶ فروردین ۱۳۳۰)، (از روزنامه مجهر)،

در سال ۱۹۵۱ اعتصاب کارگران نفت بیش از ۵۰ هزار نفر و در نمایشات ضد امپریالیستی بیش از ۷۰۰ هزار نفر شرکت نمودند و همین اعتصاب ها و نمایشات سبب شد که مجلس در

تابستان همان سال قانون ملی شدن صنعت نفت را اجراء نماید، از شرکت ساپو خلع ید بعمل آورد و کارشناسان انگلیسی را از موسسات نفتی اخراج نماید.

در ژوئیه سال ۱۹۵۱ در نمایشات عظیمی که به مناسبت ورود **هریمان** به تهران تشکیل شده بود ده ها هزار کارگر و زحمتکش شرکت داشتند. این نمایشات علیه مداخله امپریالیسم امریکا در کارهای داخلی ایران بویژه مسئله نفت بود. در حین نمایش های ضد امریکایی به دستور سرلشکر زاهدی وزیر کشور کابینه وقت، نیروهای انتظامی به سوی نمایش دهندگان تیراندازی کردند و بالنتیجه عده زیادی کشته و زخمی شدند. این عمل زاهدی موجب هیجان و اعتراض عمومی گردید و بالنتیجه رئیس دولت مجبور شد وی را از کابینه اخراج نماید. این عمل زاهدی نشان داد که وی تا چه حد دشمن کارگران و زحمتکشان کشور بوده و تا چه حد میتواند مورد اعتماد و استفاده امپریالیسم و ارتجاع قرار گیرد.

در فاصله سالهای ۵۲- ۱۹۵۱ و تا نیمه سال ۱۹۵۳ موقع زمامداری دکتر محمد مصدق سازمانهای نیمه آشکار و آشکار اتحادیه های کارگری توسعه زیادی می یابد. تنها در تهران ۲۵ اتحادیه آشکار بوجود آمده بود. در همین موقع برای وحدت اتحادیه ها کنفرانسی در تهران تشکیل میگردد که بیش از ۴۰۰ نفر نماینده در آن شرکت مینمایند. کنفرانس مرکز واحدی بنام "شورای هماهنگی عمل کارگران" انتخاب مینماید که آشکار فعالیت میکرد. این سازمان و تمام سازمانهای مخفی و آشکار تماما تحت رهبری شورای متحده مرکزی که غیر قانونی بود، فعالیت می نمودند.

تحت رهبری شورای متحده مرکزی اعتصاب های بزرگی در سمنان، اصفهان، تهران و شهرهای دیگر ایران در بهبود وضع زندگی و آزادیهای دموکراتیک به وقوع پیوست که همه آنها و همچنین اوج نهضت دموکراتیک بیش از پیش موجب وحشت امپریالیست ها می شد. نهضت دموکراتیک ایران در سال های ۱۹۵۳- ۱۹۵۱ از چهار چوب ایران خارج شده بود و به کشورهای خاورمیانه و نزدیک تاثیر مثبتی نمود. این تاثیر مثبت زحمتکشان کشورهای این منطقه را به نهضت ضد امپریالیستی جلب کرد و موضع انحصارهای نفتی را به خطر انداخته بود. چنین وضعی سبب شد که امپریالیست های انگلیس و امریکا بطور موقت دست از رقابت بخاطر منابع نفتی خاورمیانه و نزدیک بردارند و متحدان نهضت دموکراتیک ایران را بخاک و خون کشانند و مسئله نفت را بنفع انحصارهای بزرگ حل کنند.

کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) که توسط سازمان های جاسوسی امریکا و انگلیس تنظیم شده بود توسط عمال داخلی آنان و به کمک ارتش و اوباش و نیروهای ارتجاعي علیه حکومت دکتر مصدق به مورد اجرا گذاشته شد. در حین اجرای مرحله اول کودتا شاه از ایران فرار کرد و مستشاران نظامی امریکا با کمک ارتش، ژاندارمری، پلیس و اوباشان پس از درهم شکستن نیروهای دموکراتیک، سرلشکر زاهدی را که در مبارزه علیه زحمتکشان امتحان های جالبی داده بود به نخست وزیری رساندند و با دست شاه- زاهدی و دکتر امینی صنعت نفت ملی شده را پس از قتل و اعدام عده ای از افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران و اعدام وزیر خارجه حکومت دکتر مصدق دو مرتبه به انحصارهای نفتی واگذار کردند. سازمان های دموکراتیک، بویژه حزب توده ایران و اتحادیه های کارگری را تارو مار کردند و ایران را به پیمان تجاوزکارانه مرکزی (اول پیمان بغداد، بعد سنتو) جلب نمودند.

در سال ۱۹۵۴ سازمان های افسری کشور کشف شد و دهها نفر از افسران شرافتمند و میهن پرست تیرباران گردیدند و صدها نفر به سیاه چالهای زندان انداخته شدند. رژیم کودتا با این عمل افکار عمومی را تا حدود زیادی از مسئله نفت منحرف ساخت و آن را در مجلس فرمایشی به نفع امپریالیست ها حل کرد و در سال ۱۹۵۵ ایران را به پیمان بغداد جلب نمود.

لیکن رژیم ترور و اختناق به اینهم اکتفا ننمود و پس از انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق و سرنگونی رژیم ملک فیصل دوم و دیکتاتوری نوری سعید، پیمان دو جانبه نظامی با امریکا منعقد ساخت که هدف اساسی آن مبارزه علیه نهضت دموکراتیک و انقلابی در ایران و تبدیل تدریجی ایران به پایگاه تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا بود.

راه توده ۱۶۵، ۲۰۰۸، ۰۲، ۰۴